

فاجعه خونین مسجد گوهر شاد

فاجعه خونین مسجد گوهر شاد در 1314 هجری شمسی ...



فاجعه خونین مسجد گوهر شاد در 1314 هجری شمسی

اسلام زدایی در کشورهای اسلامی، بویژه در منطقه خاورمیانه مهمترین استراتژی استعمار بود. این استراتژی شیطانی با به قدرت رسیدن رضاخان به طور پیچیده و زمانبندی شده ای در ایران به مرحله اجرا درآمد. اما به سبب برخورد قاطع مردم به رهبری روحانیت از جمله موضع گیری تند و کفرستیزانه آیت الله بافقی، مدت 8 سال طرح حجاب زدایی از زنان مسلمان ایران به تعویق افتاد. در این هشت سال از سال 1305 الی 1314 شمسی، روحانیت در معرض شدیدترین حملات روانی و یورشهای تبلیغاتی قرار گرفت. طرح موزیانه استفاده از عمامه مستلزم داشتن تصدیق دولتی است خود بخشی از این حملات بود.

نظام رضاخان بر این باور بود که با جنگ عظیم روانی که بر پا کرده، روحانیت پویا و متعهد، به موضع ضعف کشانده شده و قادر به مقاومت در برابر طرحهای سلطه طلبانه استعمار نخواهد بود، این بود که همزمان با اجباری شدن کلاه بین المللی و شاپو برای مردان زمزمه های حجاب زدایی زنان بلند شد. نطقها جهت آماده سازی ذهنها و جشنها و میتینگهای سازمان یافته ای تشکیل شد تا زمینه پذیرش یکی از خطرناکترین و اسارت بارترین طرحهای سلطه جویانه استعماری فراهم آید.

همزمان با این دسیسه چینی استعمار و استبداد، روحانیت آگاه و بیدار به طور مخفی جلساتی را برگزار کردند. در یکی از جلسات پیشنهاد شد که آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به طور مستقیم با رضاشاه مذاکره کند.

حاج آقا حسین قمی با این پیشنهاد موافقت نمود و قبل از رفتن به روحانیون مشهد گفت من می روم با شاه صحبت کنم شاید او را از تصمیمش منصرف کنم، شما نیز باید مردم را آگاه و هوشیار نمایید تا درک کنند چه توطئه عظیمی در کار است.

حاج آقا حسین قمی پس از رسیدن به تهران به باغ سراج الملك شهر ری برده شد و ممنوع الملاقات گردید. از سوی دیگر مسجد گوهرشاد که چند روزی بود محل اجتماع و سخنرانی علیه لباس بیگانه و اسلام زدایی شده بود، با بازداشت آیت الله قمی حال و هوای دیگری یافت، اجتماعات وسیعتر و اعتراضات گسترده تر و سخنرانان کلامشان آتشین تر و شعار مردم تندتر گردید.

همزمان با این وقایع از مذكر به شهربانی مشهد دستور داده شد که واعظ معروف را سریع دستگیر کنند در اجرای این دستور شیخ غلامرضا طبسی، شیخ شمس نیشابوری، دو تن از وعاظ خراسان دستگیر شدند اما گردهمایی مردم برای شنیدن سخنان روحانیت در مسجد گوهرشاد ادامه یافت. قرار بر این شد که علما و مجتهدین مشهد طی یک تلگراف رضاخان را از اقدامات ضد دینی منصرف سازند، همچنین علما به منبر رفته و مردم را از عمق فاجعه ای که در حال شکل گیری است آگاه سازند.

صبح روز جمعه 10 ربیع الثاني 1345 ه. ق برابر با 20 تیر 1314 شمسی قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند. قزاقان رضاخان بی محابا به روی مردم آتش گشودند و حدود یکصد نفر را کشته و یا زخمی کردند اما مردم متفرق نشده و مقاومت کردند.

پس از این هجوم مردم با داس - بیل و چوب ... به طرف مسجد سرازیر شدند، مسجد گوهرشاد لبریز از جمعیت گردید و روحانیون نیز به سخنرانی پرداختند.

روز شنبه 11 ربیع الثاني 1354 ه. ق برابر با 21 تیرماه 1314 مسجد پر از جمعیت بود. شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده می شد. مسجد یکپارچه سرود مقاومت سر داده بود.

سرانجام رضاخان دستور داد مسجدیان را تارو مار و همه را دستگیر و مجازات نمایند.

سران قشون، سران شهربانی و آگاهی، نیروهای خویش را هماهنگ کردند و قرار گذاشتند پس از نیمه شب تهاجم خود را آغاز کنند. قزاقان قبلاً در نقاط حساس و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسلهای سنگین را بر بامهای مشرف به حیات مسجد جایی دادند.

توپه‌های سنگینی در خیابان تهران روبروی مسجد گوهرشاد استقرار یافت پاسی از نیمه‌های شب 21 تیر ماه گذشته بود که صدای غرش مسلسلها در شهر پیچید و قشون شرق به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی برای به خاک و خون کشیدن مردم به حرکت درآمد. عده‌ای از مأموران مخفی رژیم قبلاً وارد مسجد شده که از داخل وارد عمل شوند و راه برای ورود نیروهای حکومت به داخل مسجد هموار سازند.

در سپیده دم قزاقان با کشتن بیش از دوهزار تن و اسیر کردن هزار و پانصد نفر توانستند مقاومت مسجد را درهم بشکنند و دل استعمارگران بین‌المللی را شاد و مسرور سازند.

کامیونهای بسیاری اجساد مبارزین را جابجا کردند. به گفته شاهدان عینی، مأموران دولتی، شهدا را همراه زخمیها در خندقهایی که در محله خشتمالها و باغ خونی مشهد پیش‌بینی شده بود دفن کردند.

از صبح روز یکشنبه 22 تیر 1314 بازداشت روحانیون آغاز شد و روحانیونی که در نهضت خونین گوهرشاد شرکت داشتند یا بازداشت شدند و یا اگر توانستند مخفی شدند تا در موقعیت مناسب ایران را به سوی نجف ترک کنند.